



تناسب نگری
تدابیر جمعیتی
باموضوعات اجتماعی؛
حجت الاسلام والمسلمین
جناب دکتر سید
میر صالح حسینی جبلی



ستاد مردمی ایران جوان

حرکت مردمی گفتمانی فرهنگی افزایش جمعیت

مسئله‌ی نمای جوان برای کشور یک مسئله‌ی اساسی و مهم و تعیین کننده است. فرهنگ سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را میزند؛ باید فرهنگ سازی بشود که متأسفانه امروز این فرهنگ سازی نیست، تعطیل است. *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با*

اعضای همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه ۹۲/۸/۶

این مسئله‌ی افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه‌ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره‌ی آن فرهنگ سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم. *بیانات رهبر معظم*

انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳

بسته تبلیغی جمعیت ویژه طلاب علوم دینی، مبلغین و ائمه جماعات مساجد

شعبان المعظم سال ۱۴۳۵ هجری قمری

تناسب نگری تدابیر جمعیتی با موضوعات اجتماعی؛ حجت الاسلام والمسلمین جناب دکتر سید میر صالح حسینی جلیلی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

آدرس دبیرخانه: مشهد مقدس، خیابان امام خمینی (ره)، بین ۴۸ و ۵۰، پلاک ۹۰۲، تلفن: ۸۵۵۸۰۱۴-۰۵۱۱

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۳۳۰۰۱۳۹۲

پست الکترونیک: iranejavan@chmail.ir

سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین جناب دکتر سید میر صالح حسینی جلی با موضوع تناسب
نگری تدابیر جمعیتی با موضوعات اجتماعی در همایش تبلیغ و جمعیت *

موضوع صحبت ما به این معناست که ما سیاست ها و تدابیر جمعیتی را که در هر جامعه ای می خواهیم ایجاد کنیم خصوصا در وضعیت فعلی کشور عزیزمان، باید با واقعیت ها، فرجه ها و عینیت های اجتماعی تناسب داشته باشد و قطعاً هم برای تناسب نگری و متناسب کردن آن تدابیر جمعیتی با واقعیت های جامعه، بایستی در برابر این تدابیر انعطاف داشته باشیم، یعنی انعطاف پذیری از شرایط اساسی تدبیر و سیاست های جمعیتی است.

در اینجا دو سوال مطرح می شود:

سوال اول: اینکه از دیدگاه اسلامی این سیاست ها و تدابیر جمعیتی چرا تغییر می کند؟

در یک برهه ای از زمان ما سیاست و تدبیر کاهشی جمعیت را در کشور در پیش گرفتیم. در یک مقطع دیگر می گوییم سیاست افزایشی، و باید جمعیت خودمان را رشد بدهیم.

به لحاظ اسلامی ما کدام را باید رعایت کنیم آیا سیاست کاهشی درست است یا سیاست افزایشی درست

* قم موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)



است؟ کدام یک از آنها واقعا نگاه اسلامی در آن رعایت شده است؟ آیا این به معنای این نیست که احکام اسلامی همیشه در حال تغییر است؟ پس ما احکام ثابتی نخواهیم داشت و همیشه همه چیز در آن احتمال تغییر و در نتیجه نسبیت و شکاکیت وجود خواهد داشت، آیا چنین چیزی را می توانیم بپذیریم یا نمیتوانیم بپذیریم؟ این یک سوال.

سوال دوم: اینکه تدابیر جمعیتی ما که گفتیم باید با واقعیت های اجتماعی ما تناسب داشته باشد، این تناسب با واقعیت های اجتماعی با چه واقعیت ها و ایزه های اجتماعی باید مناسب باشد. ما می خواهیم راجع به سیاست های جمعیتی، تدابیر جدیدی به خرج بدهیم به چه شاخص ها و موضوع هایی ما توجه داشته باشیم تا بتوانیم به رشد جمعیت بپردازیم. این سوال کلیدی ماست. قبل از اینکه به پاسخ دهی این سوالات بپردازیم یک مقدمه ای را خدمت شما عرض کنم.

در قرن ۱۷، ۱۸ میلادی در انقلاب فرانسه یک سری مکتب هایی به وجود آمد که اینها بهانه شان این بود که: منابع غذایی و منابع زیر زمینی ما محدودیت دارد لذا ما باید جمعیت جهانی را به سمت کاهش پیش ببریم، بعد یک متفکر کشیش انگلیسی به نام مالتوس می آید و یک نظریه را در این باره مطرح می کند می گوید که شما می توانید جمعیتتان را تا آن زمان، تا جایی که غذا دارید گسترش بدهید و یک ارتباطی برقرار می کند بین منابع غذایی یا به تعبیری همان مسائل بیولوژی و زیستی انسانی با جمعیت، و این دو را باهم گره می زنند.

از آن زمان خیلی از کشورها دیدند که سیاست خیلی خوبی است و جامعه جهانی هم داشت به این سمت می رفت که باید سیاست تعدیلی داشته باشیم. این نظریه گرفت و خیلی از کشورها در صدد اجرای این سیاست



برآمدند. بعد از مدتی در مرکز ارتباطات آمریکا در سال ۱۹۴۸ یک واحد آکادمیک بنام دفتر تحقیق عملیات برای بررسی مسائل روانی جمعیت تاسیس می شود. آن هم در دانشگاه یعنی این بحث رفتارهای بهداشتی در خصوص جمعیت می آید در دانشگاه. آن سیاستی که مردم به راحتی این را درک نکنند که چه تدابیری و چه سیاست های پنهانی پشت این قضیه است، این را در دانشگاه تاسیس می کنند. بعد یک سری قراردادهایی با ارتش توسط کسینجر بسته می شود که بعدها می آید پروژه هایی را در رابطه با همین تعدیل جمعیت برای امنیت ملی آمریکا، برای رابطه با کنترل آن جمعیت جهانی، برقرار می کند.

با آژانس های بین المللی هم هماهنگی می کنند خیلی از بودجه های سازمان های بین المللی را هم به خودشان جلب می کنند که ما اینچنین نظری داریم .

علت اینکه اینها با ارتش راجع به این قضیه قرارداد می بندند این بود که بررسی کردند گفتند در آینده ما به مشکلی با دنیا مواجه می شویم مشکل نفت و انرژی است . یعنی جنگ نفت و جنگ انرژی در آینده به وجود می آید ما باید برای غلبه بر دشمن سیاست قدرت انرژی خودمان را نشان بدهیم.

بهترین راه برای اینکه ما بتوانیم آن نفت و انرژی را از آن خودمان کنیم (چون کشورهای نفت خیز در اختیار مسلمان ها است) و اینها هر مقدار بخواهند قدرت دارند و قیمت نفت را افزایش می دهند و لذا ما کشور عقب مانده می شویم، پس باید کاری کنیم که این جمعیت نیروی انسانی دشمن را از بین ببریم خب چه کار کنیم؟ بهترین راه این است که یک سیاست های پنهانی که دارای کارکرد پنهان است در خصوص اینکه ما می خواهیم بهداشت روانی و سلامت را برقرار کنیم، آن سیاست محدودیت نسل و کنترل نسل را در سطح جهانی خصوصا در کشورهای اسلامی ایجاد کنیم. لذا می بینیم که از آن زمان به بعد دائما این تعدیل های





جمعیت در کشورهای اسلامی خودش را نشان داد.

در ایران در یک مقطعی بسیار شدت پیدا کرد به طوری که ما از نرخ رشد جمعیت ۶٫۵ در سال ۱۳۶۸ یکدفعه رسیدیم به نرخ ۱٫۵ یعنی در عرض این چند دهه جمعیت ما به نصف تغییر پیدا کرد باز هم در قسمت های مختلف کشور فراز و نشیب هایی داشته در بعضی از مناطق مرکزی این حالت بسیار شدیدتر بود و یک فرهنگ که بالاخره خانواده ها باید از فرزند جلوگیری کنند فراگیر شد و در جامعه تثبیت شد و همه قبول کردند این فرهنگ را که ما باید از تعداد فرزندان زیاد جلوگیری کنیم و این به صورت یک فرهنگ درآمد. خیلی از تشویق هایی که ما ممکن است به لحاظ مسائل سکه و خانه و امثال اینها انجام دهیم خیلی کارایی ندارد. افرادی که به صورت فرهنگی پذیرفتند و برای آنها یک ارزش اجتماعی شد، شما هر مقدار خانه های بزرگتر، امکانات بیشتر به آنها بدهید آن مشکل شما را حل نمی کند. مشکل فرهنگی را با راه حل فرهنگی باید حل کرد نه با مسائل دیگر.

گاهی وقتها با مسائل اقتصادی بخواهند مشکل فرهنگی را حل کنند، مردم مقاومت می کنند، می گویند مگر ما را گدا تصور کردید؟ چه بسا افرادی به واسطه ی اینکه آن فرایند تغییر نقش زنان و تغییرهای ارزشی در جامعه در دهه های گذشته رخ داده است به این سمت هدایت شده اند.

برمی گردیم به سوال اول:

به لحاظ اسلامی آیا آن انعطاف پذیری سیاست های جمعیتی باعث نمی شود که یک حالت شک و نسبیت به احکام پیدا بکنیم؟ چرا در یک مقطعی از زمان ادعاهایی از کاهش جمعیت در جامعه مطرح می شود؟ و در یک زمان دیگر سیاست افزایش جمعیت؟ علما هم هر دو را تایید می کنند، دلیلش چیست؟

ما در احکام اسلامی احکام اولیه و ثانویه داریم. در یک شرایطی مکانیزم های مکان و زمان مهم ترین عامل در استنباط است. در یک عصری اقتضای اهل خبره ضررهایی برای جامعه وجود دارد، برای رفع ضرر طبق قاعده لاضرر اقتضا می کند که به صورت عقلانی با توجه به مسائل و حیانی بوسیله روش هایی که در این زمینه وجود دارد، ما یک تدبیر عقلانی درست را به جامعه پیشنهاد کنیم. لذا در یک وضعیتی که تعداد مرگ و میر بسیار بالاست، بهداشت نداریم، مشکلات آموزشی در کشور وجود دارد و مسائل خاص اقتصادی و محرومیت هست اقتضا می کند که با آن شرایط یک نوع تعدیل شرایط رخ دهد. این جز احکام ثانویه است. فقها در احکام ثانویه در منطق الفراغ مبسوط الید هستند.

در این جهت حتی ما شواهد تاریخی هم داریم میرزا بزرگ شیرازی در یک مقطعی حلیت یک قضیه را تبدیل به حرمت کرد. استعمال توتون و تنباکو.

لذا حلیت تبدیل می شود به حرمت در یک مقطعی، در یک وضعیت دیگری ممکن است اکل میته حرام تبدیل بشود به وجوب، چون طرف جانش در خطر است و بسیاری از این مسائل.

یعنی اینها از منظر فقه امامیه بسیار روشن است. پس بنابراین ما می توانیم بر اساس آموزه هایی که در مکتب اهل بیت وجود دارد بر مبنای فقه امامیه انعطافی را در سیاست های جمعیتی داشته باشیم. در یک مقطع اقتضای خاصی داشت، منتها در مقطع کنونی راه جدیدی بوجود آمد.

جمعیت شناس ها معتقدند: اگر جمعیت یک جامعه از ۲,۲ نرخ رشد جمعیتش پایین تر بیاید آن جامعه مبتلا می شود به انقراض نسل، یعنی جمعیت جایگزین را ندارد یعنی چه؟ یعنی برای پدر، مادر و زوجین می بایستی یه دختری باشد به عنوان مادر تا جایگزین مادر باشد یه فرزندی هم جایگزین پدر بشود در مجموع



باید زوجین یک فرزند پسر و دختر داشته باشد نه، دوتا دختر یکی، دوتا پسر یکی اینها در مجموع معدل گیری می شود تنظیم می شود، لذا اگر رشد نرخ جمعیت ما رسید به ۱,۲ یعنی نسل جایگزین را هم ما نداریم یعنی پدر و مادر هم از دنیا بروند دیگر فرزندی نیست که حتی ورثه آنها بشود. پس این یک خطر است و این وضعیت جمعیت جامعه را به سمت انقراض نسل می برد. مثلا جریان سیاست مدار کهنه کار آمریکایی پیشنهاد می کند شما به ایران اصلا کار نداشته باشید اینها خودشان در چند دهه دیگر جمعیشان از نصف هم کمتر می شود چرا اینقدر به انرژی هسته ای اینها گیر می دهید رها کنید اینها را، اینها خودبه خود می روند به سمت انقراض نسل، یعنی بی توجهی به اینطور مسائل در این شرایط فعلی جامعه، مسائل و آسیب هایی را ایجاد می کند که دیگر قابل جبران نیست. شما هر سیاست تشویقی را بگیرید دیگر نمی توانید جمعیت را افزایش دهید مگر اینکه به صورت بسیار فعال در حوزه های فرهنگی نقش اساسی بازی کنید باید به مردم مسائل دینی و اسلامی را گفت. فلسفه ازدواج و اینکه هدف از ازدواج چیست؟ تمام این مسائل تاثیر گذار در بحث جمعیت است. پس سوال این بود: قابل انعطاف بودن در سیاست های اجتماعی. در یک مقطع ما میتوانیم سیاست کاهشی داشته باشیم، در یک مقطع دیگر به واسطه ضرورت هایی که برای جامعه ایجاد می کند حتی به مرحله وجوب برسد.

امروزه متخصصین می گویند: اگر رشد جمعیت ما که از ۱,۲ است برسانیم به بالای ۲,۵ می توانیم از این وضعیت نجات پیدا بکنیم. حالا با چه تدبیری؟ چه طور آن چیزی را که در ذهن مردم به هر نحوی و به صورت یک ارزش درآمده که من باید از باروری جلوگیری بکنم تغییر بدهیم؟ این دیگر کار فرهنگی می طلبد. دیگر نمی شود بعضی از آیات و روایات را آنجا که به نفع ماست در خصوص افزایش جمعیت آنها را



مطرح کنیم بقیه را نگوییم، لذا نیازمند به تبیین هستیم.

باید دقیقا مبنای اسلامی را با یک نوع استنباط و اجتهاد برای مردم بیان کرد، جامعه هم می پذیرد این طور نیست که اشکال بکنند و بگویند در همین چندین دهه قبل علما می گفتند کاهش، حالا می گویند افزایش.

این سوال مهم و کلیدی است که در افکار عمومی وجود دارد ما باید این را کاملاً تبیین کنیم.

حالا چرا گذشتگان تبیین نکردند؟ ما معتقدیم گاهی در یک شرایطی بعضی مسائل اجتماعی، نیاز به تبیین برای افکار عمومی ندارد جامعه به واسطه آن ایمان و آن اعتقادات بالای مذهبی به راحتی می پذیرد یک عالم دینی یک مسأله ای را می گوید افراد بدون اینکه بگویند چرا؟ همه راهی جبهه و جنگ می شوند. در یک زمانی نیاز به تبیین دارد مردم به لحاظ فرهنگی به لحاظ فناوری ها و تکنولوژی ها که جامعه رشد می کند و جامعه صنعتی می شود نگرش های جدیدی به وجود می آید و این نیاز به تبیین دارد و جامعه نیازمند به این تبیین است.

بپردازیم به سوال دوم و آن این است که تدابیر دینی را به خرج دهیم در رابطه با بحث جمعیت. این تدابیری را که می خواهیم به خرج دهیم با چه تدابیر اجتماعی در ارتباط است؟ به کدام شاخص هایی که در جامعه است اهمیت بدهم و به آنها توجه کنم و برای آنها برنامه ریزی بکنیم تا این مشکل حل شود؟

چند محور را شناسایی می کنیم: یکی بحث فرهنگ و شاخص های مادی و غیر مادی آن است. مجموعه ای از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در جامعه ما اینها باید برای ارتقای جمعیت و رشد جمعیت بازسازی بشود و اینها بایستی تغییراتی در آن بوجود بیاید. این فرهنگ هم تغییرات مادی دارد و هم بعد غیر مادی دارد بعد مادی و غیر مادی فرهنگ همین مسائل ادبی، ادبیات، هنر و امثال اینهاست. ما باید به اینها اهمیت بدهیم.



ساختن یک فیلم گاهی وقتها برای مردم بسیار موثر است، فیلم های هالیوودی را اگر نگاه کنید به واسطه همین تعدیل جمعیت اصلا از بچه ها استفاده نمی کردند، خانواده هایی که تعداد بچه زیاد داشتند منفور بودند، این وضعیت الان در غرب هم عوض شده است، در غرب خانواده هایی که بچه زیاد دارند پایگاه اجتماعی خیلی بالایی دارند، یعنی جامعه آنها را مردم سطح بالایی می دانند. هر کسی که فرزندان بالایی داشته باشد می گویند این خیلی آدم خوبی است خیلی فهیم است ما نسبت به خیلی از مسائل دیگری که در جامعه به لحاظ فرهنگ و تبعاتی که دارد آگاهی لازم را نداریم. یکدفعه یک سیاست هایی طراحی می شود که در آینده بر ضرر خود ما خواهد بود.

غرب برای همین بر نگرش های فرهنگی تاکید دارد لذا ادعا می کند ای مردم من برای شما یک دنیای مدرن می آورم من برای شما آزادی می آورم، آسایش هم می آورم، شما بیاید به سمت دنیای مدرن که من درست کردم. واقعیت را که نگاه کنیم می بینیم هم آزادی آدمها گرفته شد، هم آسایش آنها. یعنی این دنیای مدرن غرب به دنبال مدرنیته خودش که هر روز دارد روی آن پافشاری می کند چه ثمره ای دارد هم آزادی را گرفت و هم آسایش را.

آزادی را چگونه گرفت؟ شما در غرب هر کاری را می خواهید انجام بدهید اینقدر دوربین های مختلف شما را کنترل می کنند که حتی شما در حریم خصوصی هم نمی توانید شما کاری انجام دهید، یعنی کنترل ها با شدت و قدرت نسبت به هنجارها و ارزش های خودش می آید و محافظت می کند. لذا بعضی وقتی وارد غرب می شوند می گویند اسلام را ما معتقد هستیم و مبانی اسلامی را ما می دانیم ولی غربی ها رعایت می کنند. واقعیت این است که آنها رعایت نمی کنند آن نیروی کنترل چشم قانون است که آنها را آدم هایی



نرمال نشان می دهد. تجربه نشان می دهد به محض اینکه چشم قانون بسته می شود چقدر آمار جنایت، قتل، افزایش پیدا می کند. در یک سال آمار گرفتند در آمریکا دو دقیقه برق رفته بود در این دو دقیقه آمار جنایت ها و سرقت ها و تجاوزها به اندازه یک سال آمریکا بود، دو دقیقه چشم قانون بسته شد.

ما باید یک کاری نکنیم که تا زمانی که قانون و مقررات هست مردم یک مساله ای را رعایت نکنند، یک حکمی را انجام ندهند. وظیفه ما کاری است که اگر چشم قانون هم نباشد مردم قانون ها را رعایت کنند. اسلام برای چنین انسانی است نه انسان مادی که فقط مردم او را مواظب است. اگر این باشد ظاهر جامعه ما اسلامی خواهد شد نه در واقعیت ها و این اتفاقاتی که در جامعه ما دارد اتفاق می افتد. لذا یکی از عینیت ها و ابژه های اجتماعی بحث فرهنگ و توجه به ابعاد مختلف فرهنگی است.

دومین قضیه مساله باروری در یک جامعه است. وقتی ما می خواهیم جمعیت را در یک جامعه افزایش دهیم، سیاست های خاصی را باید در یک جامعه اعمال بکنیم. این سیاستها در خصوص کدام یک از موارد و دایره زنان اعمال می شود؟

در هر جامعه ای نصف جمعیت مردان، نصف جمعیت شامل زنان می شود، این جمعیت زنان آیا همه ی آنهايي هستند که فرصت باروری خواهند داشت؟ نخیر، زنان زیر سن ازدواج (۲۵ سالگی چرا که سن ازدواج بالا رفته است) فرصت باروری ندارند یا ازدواج نکردند یا در حال تحصیل اند. شما قشر عظیم زنان در حال تحصیل را خارج کنید. افرادی که شوهر ندارند و ازدواج نکردند هم خارج شوند، یک قسمت از زنانی که بالای ۴۰ سال سن دارند و سن بالا دارند این زنان هم خارج شوند، زنانی که مطلقه هستند آنها را هم از دایره باروری خارج کنید، می مانند یک تعداد محدودی از زنانی که فرصت بر باروری و زمینه باروری برایشان



فراهم است. یعنی شوهر دارند بچه ی دیگری را هم همزمان ندارند چون معمولا همزمان بچه دار نمی شوند، پس آن زنانی را که بچه کوچک ندارند شوهر هم دارند خواهان تکثیر اولاد و فرزند آوری هم هستند این چه تعداد از زنان در جامعه را شامل هستند؟ یک مقدار محدود.

وقتی که سیاست رشد جمعیت برای مردم بیان نشود، همین تعداد محدود هم یک دفعه از گردونه باروری خارج می شوند و دیگر چیزی نمی ماند. یعنی اینکه اسلام تشویق می کند به تکثیر اولاد و از سعادت مرد زود شوهر دادن دختران مطرح می شود اینها نشان دهنده این بعد است که در حقیقت شرایط و فرصت باروری در کدام محدوده از افراد اتفاق می افتد؟ پس توجه به باروری و افزایش و فرصت های حمایتی و امثال اینها می تواند جمعیت ما را نجات بدهد.

ما در دهه ی ۶۵ جمعیت جوان ما حدودا ۴۵٪ بود، ما ۴۵٪ جوان داشتیم. جمعیت شناسان می گویند اگر جمعیت یک جامعه یعنی جمعیت ۱۵ ساله ها به زیر ۴۰٪ برسد این جمعیت به سن سالیانوردگی می رود و پیر می شوند یعنی آمار بچه های زیر ۱۵ سال برسد به ۴۰٪، آن زمان ۴۵٪ بود یعنی چقدر زیاد بود. در سال ۸۸ جمعیت جوان ما رسید ۲۵٪ یعنی نصف شد یعنی تقریبا در بیست سال آینده اگر ادامه پیدا بکند جمعیت جوان صفر می شود، جمعیت جوان اگر صفر شود یعنی چه؟ یعنی هزینه بهداشت و درمان شما سرسام آور میشود، یعنی مردمی که پیر شده اند نیاز به دارو درمان دارند و قیمت اینها بیشتر می شود و کشور تمام نفت خودش را باید خرج کند تا اینها را مداوا بکند.

دوم وقتی جمعیت اینطور شد شما برای قسمت های مختلف توسعه کشور و پیشرفت کشورتان در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی در تمام اینها نیروی کار می خواهید خیلی ها از عرصه کار کنار می روند،



شما نیرو می خواهید از کجا باید بگیرید مجبورید نیروی مهاجر و خارجی را بیاورید، خیلی از کشورها به این رسیدند مثلاً در آلمان سالخوردگی افزایش پیدا کرده است، حتی بعضی کشورها برای فرماندار و استاندار دیگر نیرو ندارند جایگزین کنند و مجبور شدند از کشورهای دیگر بپذیرند. بعد می بینید در یک مقطعی کشور کاملاً به دست بیگانگان می افتد، یعنی جمعیت می تواند تغییرات حکومتی را به وجود بیاورد.

پس این مسائلی است که ما می توانیم روی این قضیه باروری توجه داشته باشیم. یعنی از واقعیت هایی است که اگر سیاست های درست در این خصوص اعمال نکنیم دچار چالش می شویم. مهم ترین نکته ای که می تواند کمک بکند به این سیاست ها بحث ارزش ها و فرهنگ سازی در این خصوص و تبیین برای مردم است.

بحث بعدی، بحث شهرنشینی و معماری است. دنیای مدرن آمده است ساختار خانواده ها را عوض کرده است، می گوید که خانواده ها این حجم گسترده و زیاد (پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ و بچه ها) همه یکجا زندگی می کند. این طرح را تغییر بدهیم که هر بچه ای که ازدواج کرد یک زندگی جدید برایش تشکیل بدهیم، همه گفتند خیلی خوب هم هست؛ لذا نیاز دارد به یک خانه، ماشین، لوازم، یعنی ساختار خانواده به حالت هسته ای درآمد. یعنی کوچک که شامل مرد و زن و نهایت به فرزند. این ساختار خانواده که عوض می شود، از آن حالت گسترده کوچک می شود پس معماری هم باید عوض شود. یعنی دیگر آن خانه های بزرگ نیازی نیست. لذا آپارتمان بدون اتاق، سوئیت ها و کپسول اتاق را طراحی کردند برای این ساختار جمعیتی. نتیجه این شد که در این خانه های کوچک متناسب با این ساختار اگر افراد بخواهند زیاد فرزند هم بیاورند مانع وجود دارد، میگویند که چگونه بدون اتاق و با مسائلی که با معماری و وضعیت مسکن دارم فرزندان



زیادی داشته باشیم. رسیدند به اینجا که این نوع معماری ناخودآگاه باعث تعدیل در جمعیت است. ما نمی‌گوییم آدم‌هایی که خانه‌های بزرگ دارند قطعا تعداد فرزندان زیادی دارند، نه. آدم‌هایی که تبعات اجتماعی و جمعیت آنها هم بیشتر است اینها این ارزش را هم معتقدند که ما باید برای حفظ نسل مومنین و صالحین در دنیا بچه‌های زیادی داشته باشیم، اگر بخواهند فرزندان زیادی داشته باشند مانع وجود دارد و باید این مانع را برداریم.

طرفی را که دیروز در خانه‌ی خودش می‌توانست روضه‌ابی عبدالله الحسین(ع) برگزار کند امروزه با این شرایط دیگر نمی‌تواند، همینطور رها کنیم؟ در این صورت این سنت‌ها و ارزش‌های ما به سمت ضعف می‌رود، پس با یک تغییر تاکتیک و سیاست‌گذاری و تدبیر درست، ما می‌توانیم خیلی از مسائل را حل کنیم. اینها نیازمند به فکر از طرف علما و دانشمندان، نیازمند به تبیین و توجیه افکار عمومی و نیازمند به بازسازی در قوانین است، ما باید در قوانین جامعه در عرصه‌های مسکن و شهرسازی دگرگونی ایجاد بکنیم و باید مسائل فرهنگی را رعایت کنیم.

در این عرصه شهرسازی و معماری وضعیت پراکندگی جمعیت ما در مناطق گوناگون شهری با وجود صنایع، شرکتها و کارخانه‌ها خیلی مهم و تاثیرگذار است.

گاهی اوقات ما بی‌توجهی می‌کنیم یک شرکتی را که همه‌ی هستی آن به آب است می‌بریم در دل کویر می‌زنیم و مجبور می‌شویم که آبهای زیرزمین را بکشیم تا صنعت رشد پیدا کند و بهره‌وری رود و مردمی که در آن کویر در آن زندگی می‌کنند وقتی می‌بینند سفره‌های آب توسط آن کارخانه کشیده می‌شود، کشاورزشان از رونق می‌افتد و برای زنده ماندن خودشان مهاجرت می‌کنند و به شهرها می‌روند، از جهت



دیگر مثلاً سیاست گذاری می کنیم در ورزش، ورزش های شنا را می بریم در شهرهایی که آب ندارند و برایشان استخرهای عظیم می زنیم که آنها شناگر شوند. اما قسمت های کنار دریا به ورزش شنا اهمیت نمی دهند. کارخانه ای که نیاز به آب ندارد در آنجا درست می کنیم. این نابسامانی ها از واقعیت هایی است که تدابیر جمعیتی باید متناسب با اینها باشد. ما نمی توانیم فقط از یک منظر مردم را تشویق بکنیم که در مسائل اسلامی، آیات و روایات این مبانی وجود دارد، نباید اینها را نادیده بگیریم، این نیز تبلیغ است در عرصه های گوناگون، معماری ساختار شهری، وجود صنایع اینها همه باید مد نظر باشد.

آیا به لحاظ اسلامی ما می توانیم این کار را انجام دهیم؟ می توانیم برای بیان همین مسائل مکانیزم ها را مطالعه کنیم، بررسی کنیم و بیان بکنیم.

نکته بعدی از واقعیت ها بحث سن ازدواج و اشتغال است. پایین آوردن سن ازدواج از مهمترین مسائل و تدابیری است که ما می توانیم در جمعیت لحاظ بکنیم. مسائل زیادی در سن ازدواج موثر است. علت های زیادی وجود دارد که سن ازدواج بالا رفته است، علت ها چیست؟ تحصیلات در زنان، اشتغال در خارج از خانه برای بانوان، مضیقه ازدواج در دسترسی به همسر مناسب در جامعه شهری و صنعتی ما و وصلت های غیر رسمی در خانه های ما.

تحصیلات زنان؛ نمی گوییم که زنان دنبال علم و دانش نروند اما به مقدار افزایش تحصیلات در بانوان محدوده همسرگزینی آنها کم می شود، کسی که الان دیپلم داشت و می خواهد ازدواج کند، در این وضعیت محدوده ازدواج با جنس مخالف بسیار زیاد است و اگر طرف کارگر هم باشد می تواند با او ازدواج کند و می تواند خواستگار داشته باشد. ولی وقتی خودش در تیپ خاصی می رود که من کارشناسی ارشد بگیرم یعنی با



آن جوان درس نخوانده کارگر با سن ۲۵ ساله نمی توانم ازدواج کنم، پس از این زاویه این تحصیل محدوده ازدواج را تغییر می دهد و گاهی وقت ها به مجرد قطعی می رسد. یعنی دخترها تا آخر عمر دیگر فرصت ازدواج نخواهند داشت چرا؟ چون شرایط را خودشان فراهم کردند.

چرا مردم اینطور تصور می کنند، این را باید اصلاح کرد در عین حال که ازدواج و فرزندآوری انجام می دهند، اصلا ارتقاء اجتماعی آنها و تحصیل آنها هم رخ خواهد داد تحصیلات زنان است ولی نتیجه ای که از این تحصیلات می گیرند این است که باید شغلی در بیرون خانه داشته باشند، این هم مشکل دوم زن شاغل . باز ما نمی گوییم زنان شغل نداشته باشند، اما نیاز به سیاست گذاری است. ما نمی توانیم برای زن تحصیل کرده مسلمان ایرانی در درون خانه ی خودش یک نوع پروژه ی علمی تعریف کنیم که مطالعه کند و انجام بدهد و هزینه ی او را هم سازمان ها بدهند و شرایط بیمه را هم داشته باشد؟

با یک تغییر تاکتیک می شود این را درست کرد. آیا یک زن مسلمان حتما باید جای دور از خانه به اشتغال بپردازد که اگر در جامعه چنین چیزی فراگیر شود مشکلی که در آینده با آن مواجه می شویم این است که نرخ باروری پایین خواهد آمد، چون زنان شاغل فرصت باروری نخواهند داشت. برعکس در حوزه مردان زمانی فرزندآوری و پرورش فرزند در حوزه مردان اتفاق می افتد که مردان در حوزه اشتغال اند یعنی مردانی که شغلی دارند و هنوز بازنشسته نشده اند، در این زمان آنها خواهان فرزند و بچه داری هستند، اگر مردی بازنشسته باشد و یا شغلی نداشته باشد خواهان فرزندآوری نیست این برعکس زنان است. مردان شاغل خواهان فرزند اند و زنان در موقع اشتغال فرصت فرزندآوری را نخواهند داشت و بسیار سخت است. ممکن است کسانی بتوانند ولی باید از نقش هایی بزنند. بعضی وقت ها فشار نقش است زیرا نمی تواند همزمان



شوهر داری، فرزند آوری، دانشگاهی و معلمی را داشته باشد، نمی تواند، محال نیست، این نیازمندی به توانایی خاصی است یا ما باید این مهارت ها و توانایی ها را در جامعه فراگیر کنیم و به مردم آموزش دهیم تا از این مشکلات و فشارهای نقشی اینگونه بیرون بیایند یا باید عالمانه، کارشناسی شده این مشکلات را تبیین بکنیم و جامعه را هدایت بکنیم به آن سمتی که در اسلام به لحاظ عقلانی و به لحاظ مسائل وحیانی و نقلی مطرح شده است.

نکته: در غرب افزایش سن ازدواج با سیاست های هم خانگی آنها ارتباط دارد. یک مدل های ازدواجی را خارج از ازدواج های رسمی مطرح کردند، شاید آن را به رسمیت هم شناختند، گفتند آدم ها با آن رابطه نسب و سببی می توانند به مدت طولانی باهم زیر یک سقف زندگی کنند بدون قواعد و قرارداد خاص ازدواج، می توانند با همدیگر زندگی بکنند. این سیستم هم خانگی و وصلت های نامشروع باعث شده است که سن ازدواج در جامعه آنها افزایش پیدا کند.

با بالا رفتن سن ازدواج زنان و مردان، فرصت باروری و فرزندآوری هم مشکل ایجاد کرد لذا به این نتیجه رسیدند که هر مقدار در جامعه وصلت های غیر رسمی شیوع پیدا بکند از جمعیت و رشد جمعیت و فرصت های باروری کم خواهد شد و این افزایش سن ازدواج رشد جمعیت را تعدیل می کند. با این آسیب های اجتماعی در جامعه خودمان هم مواجهیم. وقتی می بینیم سن ازدواج در جامعه بالا رفته است یکی از علت ها بر می گردد به آسیب هایی که در جامعه داریم.

امروزه یک مساله ای که ما با آن روبرو هستیم این است که: در جوامع شهری آدم ها باهم غریبه می شوند همدیگر را نمی شناسند، شرایط ازدواج در جامعه شهری و صنعتی باید به چه صورتی باشد؟ دو نفر که می



خواهند همدیگر را بشناسند به چه صورت باید باشد؟ در جامعه شهری و صنعتی که دو نفر می خواهند باهم ازدواج کنند یا یک نفر که دختر بزرگ یا پسر بزرگ دارد چطور اینها را به هم برساند تا آشنا شوند؟ آیا راهکاری را بیان کردیم؟ مطالعه کردیم؟ چه تدابیری در آموزه های دینی در این خصوص وجود دارد؟ آیا این را رها کنیم؟ آیا در جامعه ای که صنعتی شد همان روش های سنتی ما جواب خواهد داد؟ یا روش های سنتی را باید برای مردم تبیین کنیم، از چیزهایی که به آن فکر نکردیم مثلاً مساجد است که اگر نگاه کنیم می بینیم که تمام امور مسلمین در مسجد حل می شد، تشکیل خانواده، مشکلات مالی، همه ی اینها، مسائل خاص فرهنگی همه در مسجد حل می شد.

مسجد را ما کم کم ضعیفش کردیم مسجدهایی را ساختیم که فقط ساختمانش برای عبادت است. نمی دانستیم که در کنار مسجد یک ساختمان هایی را تعبیه کنیم که مومنین در آنجا باهم صحبت کنند و بعد فرهنگ سازی کنیم و بگوییم که غیبت را کنار بگذارید ولی باهم صحبت کنید. وقتی این مکان تعبیه شود، اسلام می گوید در مسجد عبادت خودت را انجام بده، مشکلاتت هم حل می شود فقط در این فضای مسجد صحبت نکن. حتی مبلمان و همه چیز در آنجا هست حتی خادم هم چایی بیاورد و باهمدیگر صحبت کنید و این عطوفت عمومی را در جامعه افزایش می دهد. ولی این را شاید بی توجهی کردیم. مردمی که در مسجد حرف می زنند ناراحت هم می شویم حق هم داریم امور دنیوی را نباید حرف بزنیم. اما فرهنگ مسجد یک دانشگاه اسلامی است که بایستی بر مبنای آن ساختار این دانشگاه اسلامی، همه ی آن شرایط را در نظر گرفت.

پس ما نیازمند به یک سری مسائل جدید هستیم. تغییراتی را که تبلیغات ما در آن رخ بدهد و اینها اگر قوی



شود می بینیم که در آینده ما میتوانیم نسل مومنین و صالحین را فعال نگه داریم والا اگر با همان روش ها اکتفا کنیم شکاف نسل زیادی بین نخبگان مذهبی با افکار عمومی بوجود می آید احساس می کنند ما آنها را درک نمی کنیم و آنها ما را درک نمی کنند. پس شرایط می طلبد یک جهش تاکتیکی و سیاست گذاری های جدید و تبیین های جدید عالمانه با نگاه اسلامی صورت پذیرد.

مساله ی دیگری که در همین سن ازدواج مهم است بحث دخالت در سن ازدواج است. غربی ها فرزندهایشان را آزاد می گذارند در ازدواجشان دخالت نمی کنند یعنی چه؟ یعنی مثلاً بچه شان را نمی گویند: تو سنت بزرگ شد تشکیل خانواده بده او را کمک کنند که زودتر ازدواج کند و مستقل شود، یعنی کاری ندارند آزادی محض در خصوص ازدواج، والدین دخالت نمی کنند.

تحقیقات غربی ها مخصوصاً مطالعات لوکاس نشان داده است آن زمانی که هر مقدار در خانواده ها، دخالت خانواده ها در ازدواج کمتر می شود سن ازدواج افزایش و فرزندآوری هم کاهش پیدا می کند. یعنی یک رابطه ای وجود دارد بین دخالت والدین در ازدواج و کاهش سن ازدواج و کاهش فرزندآوری.

این در جوامع اسلامی چطور است؟ آیا آموزه های ما این نگاه را می پسندد که در ازدواج جوان ها دخالت نکنیم؟ نه، اتفاقاً آموزه های دینی ما تاکید می کند، از وظایف دینی ما این است که حقی را که والدین در گردن فرزندان دارند این است که شرایط ازدواج آنها را فراهم کنند یعنی دخالت کنند در این عرصه زود شوهر بدهند و باز خود غربی ها می گویند هر مقدار دخالت والدین در ازدواج فرزندان زیاد شد رشد باروری آنها افزایش پیدا می کند و زمانی را که فرزندان در سنین پایین ازدواج می کنند از تعداد بچه های بیشتری برخوردارند نسبت به افرادی که در سنین بالا ازدواج می کنند.



اینها هم به صورت عقلانی مشخص است، هم شواهدی مبتنی بر این قضیه است، لذا وظیفه ما ارائه حقوق والدین برای فرزندان است این را باید در جامعه فراگیر کرد. وظیفه ای که والدین دارند نسبت به حرف شنوی، اطاعت از پدر، ولایت پدر و والدین، اینها چرا با زبان روز برای افکار عمومی ما کاملاً تبیین شود تا اینطور آسیب ها را نداشته باشیم.

آنها برای یک موضوع جزئی که آیا دخالت والدین برای فرزندانشان خوب است یا بد هزینه می کنند، تبلیغ می کنند. به صورت علمی اثبات می کنند که هر مقدار دخالت کمتر شود، سن ازدواج افزایش پیدا می کند و جمعیت هم کم می شود. وقتی به این نتیجه رسیدند فوراً سیاست هایشان را عوض می کنند. لذا تدبیر در عرصه های مختلف باید با این واقعیت ها و ابژه های اجتماعی تناسب داشته باشد و به این عرصه ها بی توجهی نشود.

بحث دیگر بحث مهاجرت است، همان نکته که گفته شد. خیلی از مهاجرتها که به شهرها می آیند به واسطه بی تدبیری و توجه نکردن به برخی از مسائل عقلانی است. در شرایط حاضر ۷۵٪ جمعیت ما شهرنشین اند و ۲۵٪ آن روستایی هستند. در دو دهه قبل این آمار بیشتر بود یعنی جمعیت روستایی ما زیاده بود چه چیزی اتفاق افتاد که مردم کشاورزی و مسائل خاص در روستا را رها کردند و به شهرها آمدند. جاذبه هایی که ما در شهرها ایجاد کردیم و فقری که در روستاها وجود داشت.

گاهی وقت ها خبر نداریم که یک جاده در روستا چقدر کمک بزرگی به مسلمان ها و کشور است. وقتی امکانات سرازیر به روستاها بشود مردم برای مشکلات خودشان به شهرها هدایت نمی شوند پس وقتی عدالت را در توزیع ثروت و رفاه در تمام مناطق رعایت کنیم این پیش نمی آید که ۲۵٪ جمعیت روستایی



ما به این صورت باشد و کشور ما از آن رونق اقتصادی و توسعه ای که در این زمینه است محروم شود. این شرایط اگر ادامه پیدا نکند یعنی حدود ۳۵ سال آینده در ۲۰۵۰ کل جمعیت شهری ما حدودا ۸۶٪ می شود و همه ی روستاها خالی می شوند و به سمت شهرها مهاجرت می کنند و حدودا ۱۰ تا ۱۴ درصد روستاها می مانند. یکی از فاکتورهای مهم مبلغین وجود جمعیت در روستاهای ایران است. شرایط را از دست خواهیم داد. در جامعه شهری بسترهای لازم برای وجود بعضی از تبلیغ های دینی به صورت ناگهانه متناسب با جمعیت شهری و تراکم های جمعیت در یک منطقه شهری فراهم نکرده ایم و ملاحظاتی که به لحاظ دینی و تبلیغات بایستی انجام شود اتفاق نیفتاده است مثلا: در جامعه شهری در منطقه های مرکزی شهر کارگران چون زیادند سکونت کارگران زیاد است. چرا زیاد است؟ زیرا آنها تلاش می کنند در رفت و آمد خودشان هزینه رفت و آمد نپردازند و اگر در یک جای دور افتاده زندگی کنند برای آمدن به محل کارشان باید کلی پول و کرایه بپردازند تا به آن محل بیاید. لذا معمولا کارگران در مناطق مرکزی ساکن اند زیرا هزینه هایشان کمتر بشود و خانه ها مخروبه می شود چرا؟

زیرا آن خانه هایی را که بایستی در جامعه نوسازی بشود توسعه پیدا نمی کند، در نتیجه مخروبه شدن خانه ها، اجاره پایین خانه ها و اجاره کردن خانه ها توسط کارگران به خاطر اینکه هزینه آنها پایین است جامعه را به این سمت می برد که جمعیتش را در مراکز بسیار متراکم کند در اطراف و پیرامون آدم هایی در طبقات اجتماعی زندگی می کنند آنجا یک فرهنگ دیگری شکل می گیرد.

پس باید تدابیر شما در یک جامعه ی شهری که ترافیک دارد، جمعیت بسیار زیاد است، شما مثلا در یک شهر تهران اگر بگویید: فرزندان را زیاد کنید، مردم عصبانی می شوند. می گویند با این حجم ترافیک و



خانه های کوچک. پس سیاست ما درخصوص تهران در کلان شهرها با جاهای دیگر تفاوت خواهد داشت. ما نمی توانیم انعطاف نداشته باشیم و همه جا یک حرف را یک شعار را به یک صورت بیان کنیم آنجایی که کلان شهر است رشد جمعیت زیاد است. از عوامل کاهش جمعیت شهرنشینی است. جامعه ای را که در اثر وجود مهاجرت ها متراکم می شود مردم به شهرها می آیند. این تراکم جمعیت در تعداد فرزند زیاد داشتن خودش مانع است. پس باید چکار کرد؟

باید راهکار ارائه داد نگاه اسلامی را در این زمینه داشت. شهر های جدید با مطالعات دقیق و اصلاح شده و کارشناسی شده احداث شود و روستاهای بین شهرها مشخص شود.

الان روستاهای ما به گونه ای است که بعضی از مناطق حتی کویری ما خالی از سکنه است. یعنی نبود جمعیت و پراکنده نبودن جمعیت در برخی از مناطق و مهاجرت به واسطه وجود صنایع جاذبه های شهری یا اشتغالی که ما در شهرها ایجاد می کنیم همه را به این سمت می کشاند لذا کل جمعیت ما در این پهنه ی بزرگ جمعیتی به صورت هلال مانند در یک منطقه های خاصی در کشور ما قرار گرفته بقیه خالی از سکنه است.

پس نگاه کنید جامعه اگر نتواند حتی زمین خودش را نگه دارد قطعا به خطر می افتد. قطعا جوامع دیگر خواهان زمین هایی هستند که اینها نمی توانند از آن محافظت کنند و این ها واقعیت هایی است برای بحث سیاست گذاری و تدبیرهایی که حتی به لحاظ و نگاه اسلامی بسیار موثر است. مسجد محوری در توسعه ی شهری از صدر اسلام بود شما مطالعه کنید مسجدهایی که از صدر اسلام تا حالا به صورت ساخت و ساز و معماری خاص اسلامی طراحی شده و توسعه یک شهر محورش مسجد بود و بقیه مناطق پیرامون آن رشد



پیدا می کند ما این مدل ها را از نگاه اسلامی قطعا داریم چه طور شهرها گسترش پیدا بکند؟
 بهترین شهر از نگاه اسلامی چه شهری است؟ این در نهج البلاغه آمده است تئوری پردازی شده است یعنی
 جامعه شناسی شهری و صنعتی امروزی را که متخصصین درس می خوانند و به آنجا می رسند حضرت امیر
 علیه السلام در نهج البلاغه بیان فرمودند. در اواخر نهج البلاغه کلمات قصار دقیقا گفته شده است که شهر
 این ویژگی را باید داشته باشد پذیرای شما باشد، پذیرای یک آدم یعنی شهر چه ویژگی هایی داشته باشد مرا
 در آنجا بپذیرد. من در چه شرایطی هستم که آن شهر باید قبول بکند و بپذیرد.
 در مجموع این بحث انعطاف پذیری در سیاست ها و تدابیر جمعیتی از نگاه اسلامی یک امر روشن و مطابق
 با مبانی فقهی مکتب ما است و علاوه بر این نگاه دانشمندان و عالمان دینی به واقعیت ها و ابژه های
 اجتماعی در بحث جمعیت، بسیار کارساز است.





با در نظر داشتن نقش ايجابية عامل جمعيت در پيشرفت کشور، لازم است برنامه‌ريزي‌هاي جامع براي رشد اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي کشور متناسب با سياست‌هاي جمعيتي انجام گيرد. ابلاغ سياست‌هاي کلي جمعيت ۹۳/۲/۳۰